

توان سنجی گفتمان‌های جنبش دانشجویی ایران معاصر

مرتضی شیرودی^۱

چکیده

جنبش دانشجویی دو دهه پس از تأسیس اولین دانشگاه در ایران پا به عرصه مبارزه سیاسی نهاد. ناکامی‌های مستمر جنبش دانشجویی در مواجهه با پهلوی دوم، باعث شد از یک سو، دائماً در حال گفتمان‌سازی باشد و از سوی دیگر، همواره ظرفیت هر یک را برای کامیابی در مبارزه بسنجد. سؤال اصلی این است که جنبش دانشجویی چه تحولی را در عرصه گفتمان‌سازی و جایگزینی گفتمان‌های رقیب، تجربه کرد؟ دستیابی به دال‌های مرکزی، عناصر و مؤلفه‌ها، قابلیت‌های دسترسی، وجوه از جاشدگی و نیز خصایص گفتمان‌های رقیب از دیگر پرسش‌های این مقاله است. به نظر می‌رسد که نظریه گفتمان می‌تواند راه‌هایی را بگشاید تا پاسخ به سؤالات مذکور هویدا گردد. فرضیه این مقاله آن است که با مطالعه جنبش دانشجویی با یک روش نوین (نظریه گفتمان) وجوه تازه‌ای از این جنبش را آشکار نماید. آشکار شدن روند و نوع جابه‌جایی دال‌های مرکزی، نوسان در قابلیت‌های دسترسی و اعتبار و تغییر مستمر در عناصر و مؤلفه گفتمان‌های دانشجویی از یافته‌های مقاله حاضر است، به علاوه، ناتوانی جنبش دانشجویی در گفتمان‌سازی و بهره‌گیری از گفتمان‌های بیرون دانشگاه، لزوم بهره‌گیری از گفتمان حاکم بر جامعه در گفتمان‌سازی نوین دینی دانشجویی، از دیگر یافته‌های این نوشتار است.

کلیدواژه‌ها: جنبش دانشجویی، نظریه گفتمان، ایران معاصر، انقلاب اسلامی و امام خمینی(ره)

مقدمه

مسیری که مقاله برای دستیابی به پاسخ یا پاسخ‌های جهت سؤال اصلی و دیگر سؤالات می‌پیماید، نخست ارائه‌ی تعریف مفهوم کلیدی (مفهوم جنبش دانشجویی) مقاله است. پس از آن، چارچوب نظری مقاله که نظریه‌ی گفتمان است، مورد واکاوی قرار می‌گیرد و در گام‌های بعدی، بر اساس مؤلفه‌های بنیادی نظریه‌ی گفتمان چون: دال مرکزی، استیلا یا هژمونی، قابلیت دسترسی و اعتبار، ضدیت، از جاشدگی و ... مطالب وسیع و پراکنده‌ای که در جنبش دانشجویی ایران وجود دارد، حول محورهای اصلی نظریه‌ی گفتمان، قالب‌بندی و تحلیل می‌شود. بدین‌سان، امکان آزمایش فرضیه‌ی تحقیق، فراهم می‌آید و نتایج حاصل از برآیند مقاله نیز، در یک سبد علمی ارائه می‌شود، البته با دستیابی به این نتایج، راه برای تحقیقات دیگر جامعه‌شناختی جنبش دانشجویی در قالب پیشنهادات پژوهشی میسر و ممکن می‌گردد.

مفهوم و روش

الف - مفهوم: ارائه‌ی تعریف مفهوم کلیدی مقاله، یعنی جنبش دانشجویی از آن رو ضرورت دارد که درک صحیح‌تر و عالمانه‌تری از این مفهوم، صورت می‌گیرد:

جنبش دانشجویی به معنای عمل جمعی، اختیاری، داوطلبانه و جهت‌دار دانشجویی برای ایجاد تغییر و تحول سیاسی - اجتماعی است؛ حتی جنبش دانشجویی، به کوشش جمعی دانشجویان برای پیشبرد یا مقاومت در برابر دگرگونی اجتماعی در جامعه‌ای که خود جزئی از آن هستند هم، اطلاق می‌شود (هانتینگتون: ۱۳۷۵: صفحات مختلف). پس، هر عمل جمعی دانشجویی، جنبش دانشجویی نیست، بلکه جنبش دانشجویی، به یک حرکت جمعی گفته می‌شود که افراد آن، به قصد ایجاد تغییر و تحول سیاسی - اجتماعی، پا پیش می‌گذارند. البته، ممکن است گاهی بخواهند در مقابل برخی تغییرات و تحولات سیاسی - اجتماعی بایستند. این افراد، اغلب جمع خود برانگیخته‌ای هستند یا این‌گونه وانمود می‌نمایند، که تغییر و تحول سیاسی - اجتماعی را جست‌وجو می‌کنند. این تغییر و تحول، می‌تواند دامنه‌ی وسیعی داشته باشد که از تحول در فکر و اندیشه تا ایجاد تغییر در نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... را در بر می‌گیرد (خرمشاد، ۱۳۸۴: ۶).

تام هایدن - رهبر مشهور جنبش دانشجویی دهه‌ی ۱۹۶۰ آمریکا - در تعریف جنبش دانشجویی چنین گفته است: که "جنبش دانشجویی، جنبشی مستقلی است که از خاستگاه طبقاتی مردم متوسط شهری یعنی از دل همان درست‌کاری‌ها و صداقت‌ها بر می‌خیزد؛ جنبشی مدرن که اهداف اصلی‌اش را مقابله با نهادها، افکار و بنیان‌های سنتی موجود در جامعه قرار می‌دهد لذا جنبش دانشجویی را می‌توان جنبش

مقاومت نامید" (نراقی، ۱۳۵۴: ۵۶-۵۵). هانا آرنه در کتاب *خشونت*، جنبش دانشجویی را پدیده‌ای خاص، جدید و جهانی می‌داند و نیز از چند ویژگی متمایزکننده پرسش‌گری و آرمان‌خواهی و نفی مناسبات تبعیض‌آمیز اجتماعی برخوردار است (بشیریه، ۱۳۷۶: ۸).

مراد این مقاله از جنبش دانشجویی با بهره‌گیری از تعاریف مذکور و با عنایت ضرورت بومی‌سازی آن عبارت است از: جنبش دانشجویی یک اقدام گروهی و یک حرکت ارادی که برای تغییر دادن نظام سیاسی یا تأثیرگذاری بر ساختار اجتماعی بر مبنای خواسته‌ها و ایده‌های دانشجویان، نخبگان، مردم و گاه اجانب صورت می‌گیرد که گاه با پیروزی قرین نیست.

ب- روش: رهیافت گفتمان ریشه در زبان‌شناسی دارد اما گستره وسیعی در علوم مختلف، پیدا کرده و نیز، به روشی برای تحلیل کلام، نوشته و مانند آن، تبدیل شده است، بنابراین، گفتمان یک رهیافت تفسیری به شمار می‌رود. به علاوه، رویکردی نسبتاً جدید در تحلیل پدیده‌های سیاسی است. از مفروضات نظریه گفتمان، آن است که جهان پراکنده است و لذا تنها از گذر مقوله‌بندی گفتمانی می‌توان آن را درک کرد. مفروض دیگر آن است که گفتمان، تصور و فهم ما را از واقعیت و جهان اطراف، شکل می‌دهد. فرض دیگر گفتمان این است که واقعیت بیرون از ما، نسبی نیست بلکه فهم ما از واقعیت‌ها، نسبی است.

پی بردن به چیستی و هستی گفتمان، نیازمند توجه به مؤلفه‌های آن است که اهم آن عبارتند از: مفصل: هر عملی که میان عناصر پراکنده در درون گفتمان، ارتباط برقرار کند به نحوی که هویت این عناصر، اصلاح و تعدیل شود، مفصل‌بندی نام دارد.

دال مرکزی: هسته مرکزی یک منظومه گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد. دال مرکزی، نشانه‌ای است که سایر نشانه‌ها، حول آن، نظم می‌گیرند.

هژمونی: استیلا یا هژمونی، هویتی است که در یک گفتمان وجود دارد. هدف از اعمال هژمونیک، ایجاد یا تثبیت نظام معنایی است.

قابلیت دسترسی: بدین مفهوم که پذیرش یک گفتمان، منوط به آن است که وعده‌ها و اصول پیشنهادی‌اش، قابل دسترسی باشد. (Howarth, 2000: 3) قابلیت اعتبار بدین مفهوم که اصول پیشنهادی گفتمان نباید با اصول اساسی یک یا چند گروه اجتماعی که گفتمانی را به میان آورده‌اند، ناسازگار باشد.

عناصر: نشانه‌هایی هستند که معنای آن‌ها، تثبیت نشده‌اند. به بیان دیگر، عناصر دال‌های شناوری‌اند که هنوز در قالب یک گفتمان قرار نگرفته‌اند.

وقته‌ها: برعکس عناصر، وقته‌ها عبارتند از: موقعیت‌ها و عناصری که در درون یک گفتمان، مفصل بندی شده‌اند و به یک هویت و معنای موقت، دست یافته‌اند.

زنجیره هم ارزی: یک پدیده چون: دموکراسی لیبرال از طریق ترکیب با نشانه‌های دیگری چون انتخابات آزاد، آزادی بیان و پارلمان، معنا می‌یابد (Moffe, 1985: 15).

حوزه گفتمانی: یعنی آن چه را که در یک گفتمان قرار دارد و در دیگر گفتمان‌ها، معنایی و جایی ندارد؛ مثل طبقه کارگر در گفتمان کمونیسم که در گفتمان لیبرالیسم، معنایی و جایی ندارد.

ازجاشدگی: حوادث یا مؤلفه‌هایی‌اند که میل به فروپاشی نظم گفتمان دارند و جامعه و گفتمان مسلط را به سرعت به سوی بحران، پیش می‌برند؛ مانند بحران مسکن در آمریکا در چارچوب گفتمان لیبرالیسم. ضدیت: خصومت و ضدیت، یعنی آن چیزی که در ارتباط با غیر یا خصم، هویت و معنا می‌یابد. خصومت امری بیرونی است که باعث انسجام و یا تهدید گفتمان می‌گردد (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ۱۵۶).

گفتمان‌شناسی جنبش دانشجویی ایران در دوره پهلوی

نظریه گفتمان، غیربومی است و از این رو، همه آنچه را که به میان می‌آورد، با شرایط زمانی و مکانی ایران انطباق ندارد؛ لذا باید به گزینش برخی از مؤلفه‌های اساسی آن، برای تحلیل مسائل داخلی ایران همچون: جنبش دانشجویی دست زد. به علاوه، عامل دیگری هم وجود دارد که گزینش تعدادی از مؤلفه‌های نظریه گفتمان در تحلیل جنبش دانشجویی ایران توصیه می‌شود. برای تحلیل هر پدیده‌ای، نباید از همه مؤلفه‌های نظریه گفتمان بهره گرفت؛ زیرا برخی موضوعات و از جمله جنبش دانشجویی ایران، ظرفیت شمول و دربرگیرندگی همه مؤلفه‌های نظریه گفتمان را ندارد. بنابراین، مقاله حاضر جنبش دانشجویی ایران را تنها بر پایه عناصر گفتمانی زیر تحلیل می‌کند.

۱- دگرگونی در دال‌های مرکزی

دال مرکزی جنبش دانشجویی ایران در بیش از نیم قرن گذشته، فراز و نشیب‌های فراوانی را تجربه کرده است. به این معنا که در جنبش دانشجویی، در هر دوره تاریخی، با توجه به مقتضیات مکانی و زمانی، یک دال ویژه شکل گرفته و سپس، این دال، زوال یافته است و جای خود را به دال دیگر سپرده است. البته، باید تأکید کرد که در هر دوره تاریخی، دربردارنده یک دال نبوده است، بلکه یک دال، بر فضای آن دوره سیطره و هژمونی یافته است و در جایگاه دال مرکزی نشسته است. در مجموع، جنبش دانشجویی ایران، سه دال مرکزی استکبار و استبداد ستیزی، عدالت و آزادی خواهی و ... را پشت سر گذاشته و طی

سال‌های اخیر، به دال مرکزی عدالت‌خواهی، روی آورده است (ادیب، ۱۳۶۳: ۳۵). در ادامه این دال‌ها مبسوط‌تر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۱. دال مرکزی جنبش دانشجویی چپ‌گرای کمونیست:

جنبش دانشجویی چپ‌گرای کمونیست در دهه ۱۳۲۰، ژست مبارزه با امپریالیسم را علم کرد، اما روس‌ها را نه این که امپریالیسم یا جزیی از آن، به شمار نمی‌آوردند، بلکه به دیده دوست به آن می‌نگریستند. در واقع، شوروی‌زدایی در جنبش دانشجویی چپ که از حزب توده نشأت می‌گرفت، دیده نمی‌شد؛ زیرا مانند حزب توده، مایل به خروج روس‌ها از ایران نبودند، بلکه حضور آنان را در برقرای تعادل سیاسی در ایران لازم می‌دیدند، لذا جنبش دانشجویی چپ‌گرای کمونیست، زمانی که روس‌ها تضمین کافی را از دولت ایران مبنی بر واگذاری نفت شمال دریافت کردند، دست از ادامه اشغال ایران برداشتند و البته راضی بودند که اخذ امتیاز نفت، به تعادل نفوذ روس‌ها با آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها صاحب امتیاز نفت جنوب در ایران می‌انجامد. این جنبش تا زمانی که حزب توده و روس‌ها از مصدق، حمایت می‌کردند در حمایت از آن‌ها باقی ماندند با این امید که مصدق بتواند ایران را از فتودالیت عبور دهد و ایران را به شبه سرمایه‌داری که می‌توانست یک گام به جلو در نیل به کمونیسم در چارچوب ماتریالیسم تاریخی کارل مارکس باشد، نزدیک کند، اما با ناامیدی از مصدق و در پیروی از سیاست‌های جدید شوروی، از حمایت مصدق دست شستند و حتی اجازه دادند کودتاگران، مصدق را سرنگون سازند.

با استقرار دولت کودتا و استحکام دولت زاهدی و رژیم شاه، با کمال شگفتی و علی‌رغم سرکوب حزب توده از سوی شاه، آنان و بقایای حزب توده و سازمان نظامی آن، پس از یک دوره وقفه و سردرگمی به حمایت شاه با همان استدلال‌هایی که در مورد حمایت از مصدق مطرح می‌کردند، پرداختند. این ماجرا تا ماه‌های نزدیک به انقلاب اسلامی ادامه یافت، البته تنها گروه کوچکی از جوانان دانشجویی بریده و جدا شده از حزب توده به نبردهای مسلحانه با رژیم شاه روی آوردند که به سرعت و طی چند سال منتهی به اوایل دهه ۱۳۵۰ و از سوی کمیته ضدخراب‌کاری ساواک، متلاشی شدند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: صفحات مختلف).

از چند ماه مانده تا چند ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دانشجویان کمونیست به حمایت از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی دست زدند اما به زودی سر از بحران‌ها و غائله‌های ترکمن صحرا، کردستان، آذربایجان و ... در آوردند، حتی گروه اکثریت سازمان چریک‌های فدایی خلق که نخست ژست حمایت از جمهوری اسلامی را گرفته بوده، همچون گروه اقلیت این سازمان، به مبارزه مسلحانه علیه نظام

جمهوری اسلامی پرداخت. با ناکامی سازمان‌های دانشجویی چپ، در ادامه‌دهی به بحران‌هایی چون ترکمن صحرا، آذربایجان و ... و با توجه به تثبیت نظام جمهوری اسلامی و کشف کودتای حزب توده، سازمان‌های دانشجویی چپ‌گرا اغلب به کردستان کوچ کردند تا با استفاده از فضای نارام آن و با حمایت صدام حسین و شوروی به مبارزه خود علیه جمهوری اسلامی ادامه دهند.

۲-۱. دال مرکزی جنبش دانشجویی ملی‌گرای غرب‌مدار:

اگر زایش و رویش جنبش دانشجویی را به دهه ۱۳۲۰ و به فضای باز سیاسی آن دوره گره بزنیم، عمده‌ترین خواسته جنبش دانشجویی را استکبارستیزی تشکیل می‌داد. در آغاز این دوره، دو جریان دانشجویی ملی - اسلامی در چارچوب احزاب ملی - اسلامی چون حزب ایران، پان ایرانیست‌ها، فدائیان اسلام، مجمع مجاهدان اسلام و ... خواهان خروج نیروهای بیگانه از ایران بودند درحالی که نیروهای اجنبی چون روس‌ها، میلی به خروج از ایران نداشتند و آمریکا و انگلیس هم، قبل از اطمینان از ادامه نفوذ غیرمستقیم خود در ایران، در کشورمان باقی ماندند، در واقع، آن‌ها زمانی ایران را ترک کردند که از دگرگون کردن رژیم پهلوی یا بازگرداندن رژیم قاجارها، دست برداشتند و محمدرضا پهلوی پذیرفت در پی به رسمیت شناختنش از سوی آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها، نفوذ آنان را در ایران تداوم بخشد (ادیبی، ۱۳۵۸: ۶۷).

ضدیت جنبش دانشجویی با بیگانگان با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که منجر به کودتای انگلیس - آمریکایی گردید و در حادثه ۱۶ آذر ۱۳۳۲، به اوج خود رسید اما به تدریج جنبش دانشجویی ملی‌گرا، ضدیت نه چندان عمیق خود در مقابل سلطه غرب بر ایران را از دست داد، حتی ایده‌های جبهه ملی و نهضت آزادی و گرایش‌های غرب‌گرایانه افرادی چون مصدق، بارزگان که بر بخشی از جنبش دانشجویی ملی نفوذ داشتند، نوعی گرایش به غرب به عنوان درمان دردهای توسعه نیافتگی ایران، در جنبش دانشجویی ملی‌گرا پدید آمد، لذا آن‌ها با آغوش باز، پذیرای اعمال سیاست‌های حقوق بشر کارتر در ایران سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ شدند. در این دوره طولانی، محوری‌ترین شعار آن‌ها را مبارزه با استبداد تشکیل می‌داد. پس از انقلاب اسلامی و در پی حاکمیت یافتن جبهه ملی و نهضت آزادی و با به قدرت رسیدن چهره‌هایی چون بازرگان، یزدی، امیرانتظام، بنی صدر و ... گرایش‌های ملی‌گرای غرب‌مدارانه در جنبش دانشجویی تقویت شد که حادثه ۱۴ اسفند سال ۱۳۶۰ دانشگاه تهران در حمایت از بنی صدر و ضرب و شتم نیروهای حامی ولایت فقیه، یک مثال برجسته آن است، در این دوره، مبارزه با استبداد داخلی،

خواسته اصلی آنان بود. با ادامه جنگ، فرار بنی صدر و افول قدرت جناح طرفدار غرب، جنبش دانشجویی ناسیونالیستی - لیبرالیستی به افول گرایید و به لاک خود خزید (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۳۹). با آغاز دوره ریاست جمهوری خاتمی، جنبش دانشجویی ملی‌گرای ایرانی، با تکیه بر آزادی و در قالب اصلاح‌طلبان به جدال با آن‌چه استبداد دینی می‌نامیدند؟! ادامه دادند ولی با ناکامی اصلاح‌طلبان و در دوره‌های ریاست جمهوری نهم و دهم، فعالیت آن‌ها اغلب محدود ماند (جمشیدی، majiran.ir).

۳-۱. دال مرکزی جنبش دانشجویی اسلام‌گرا:

دانشجویان مسلمان تا حادثه ۱۶ آذر ۱۳۳۲، همراه و همگام با جنبش دانشجویی ملی‌گرا که هنوز گرایش‌های غربی آن، هویدا نشده بود و با تکیه بیشتر بر مبارزه با استکبار و تأکید کمتر بر استبداد، به فعالیت خود ادامه داد. علت توجه کمتر به استبداد آن بود که هنوز چهره واقعی استبداد شاهنشاهی نمایان نشده و عمق نیافته بود. پس از آن تا سال ۱۳۴۱ در نوعی سازگاری و ناسازگاری با ملی‌گرایان به سر برد اما با آغاز مبارزه همزمان امام خمینی (ره) با شاه و آمریکا، دانشجویان مسلمان که تحقق خواسته‌های خود را تداوم رهبری مصدق نمی‌دیدند، با گرایش به حضرت امام، شعارهای اساسی خود را به مبارزه توأمان با استبداد و حامیان مستکبر آن تغییر داد. ظلم ستیزی و مستکبرستیزی از بنیادی‌ترین شعارهای دانشجویان هوادار امام خمینی (ره) تا پیروزی انقلاب اسلامی باقی ماند. این موضوع را می‌توان در شعارها و شعرهای سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ که اغلب توسط دانشجویان سروده و به کار می‌رفت دید، از جمله:

پنجاه سال سلطنت پنجاه سال جنایت مرگ بر این سلطنت

مسلمان بیدار است از سلطنت بیزار است

نظام شاهنشاهی عامل هر تباهی

اتحاد اتحاد حافظ آزادی است اختلاف اختلاف اعاده بردگی

تفرقه و جدایی سلاح آمریکایی (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹: صفحات مختلف)

زین العابدین مؤتمن، نیز در توصیف اوضاع اجتماعی این دوره، چنین سروده است، شعری که دانشجویان برای وصف بهار خونین ۱۳۴۲ (کشتار مدرسه فیضیه قم) و ۱۳۵۴ (دستگیری طلاب در سالگرد قیام ۱۵ خرداد) به کار برده‌اند.

گویی: ز روزگار چرا شکوه می‌کنم؟ بس داغ‌ها که بر دلم روزگار ماند

دوش از کنارم آن مه نامهربان گذشت موج سرشک تا سحرم در کنار ماند

بگذشت با عتاب و نپرسید حال دل واندر قفاش دیده‌ی گوهر نثار ماند

هان ای دلیل ره مددی کن به امتم!
 این میزبان که بود که بر خوان همتش
 این آشنا که بود که بیگانه سان گذشت
 رفتی به قهر و دیده‌ی من بر قفای تو
 مشکل که نوشداروی لطفش دوا کند
 هر زنگ غم که بود بهار از دلم زدود
 پایم به گل فروشد و دستم ز کار ماند
 مجلس تمام گشت و می خوشگوار ماند
 وز دوستان زگفت و شنو بر کنار ماند
 درهای های گریه‌ی بی‌اختیار ماند
 آن داغ را که بر دل امیدوار ماند
 جز درد و داغ او که به دل یادگار ماند

(درستی، ۱۳۸۱: ۱۰)

بعد از انقلاب اسلامی، دال مرکزی شعارها و خواسته‌های دانشجویان مسلمان به استکبار ستیزی منتقل شد و علی‌رغم سیطره جنبش دانشجویی ملی گرای غرب مدار، نفوذ خود را به سرعت گسترش داد به گونه‌ای که اشغال لانه جاسوسی آمریکا را پدید آورد. این خواسته، با وجود تغییراتی که در جنبش دانشجویی اسلام گرا اتفاق افتاد، همچنان پابرجا است.

نتیجه این که دال مرکزی در هیچ یک از جنبش‌های دانشجویی ثابت نماند بلکه در بیش از نیم قرن فعالیت‌های دانشجویی، دائم تغییر کرد در حالی گفتمان اصلی مردم یعنی اسلام، تغییر نکرد. البته تغییر گفتمان دانشجویی هم، چندان اساسی و متفاوت با دال‌های نخستین نبوده است. این دال‌ها در چند عنصر استبداد و استکبار ستیزی، عدالت و آزادی خواهی خلاصه می‌شود، البته در این دوره طولانی مورد مطالعه، دال مرکزی جنبش دانشجویی اسلام‌گرا بر دیگر دال‌ها، غلبه و سیطره داشته، از آن رو که امام خمینی(ره) و نهضت اسلامی مردم ایران، پیشتاز همه حرکت‌ها بوده است و این موضوع، ریشه در خواسته‌های قشرهای اجتماعی جامعه داشته است. به هر روی، جنبش دانشجویی تا این جای کار باید می‌آموخت که رویکرد به گفتمان‌های کم مایه و بی‌ریشه در فرهنگ ایران اسلامی، ره به جایی نمی‌برد و نیز، باید از غرور بپرهیزد و تنها خواسته‌های مردم را نمایندگی کند.

۲- قابلیت‌های مختلف در دسترسی و اعتبار:

جنبش‌های دانشجویی ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی، وعده‌ها و اصولی را پیشنهادی کرده‌اند که قابل وصول و گاه غیرقابل دسترسی، بوده است. بدین مفهوم که جنبش دانشجویی چپ و ملی‌گرا، اغلب به طرح وعده‌هایی پرداخته که به افول آنان انجامیده است، زیرا این اصول پیشنهادی، با اصول اساسی جامعه اسلامی ایران ناسازگار بوده است. در عوض، وعده‌ها و اصول پیشنهادی جنبش دانشجویی اسلام‌گرا به

دلیل سنخیت با ارزش‌های اسلامی ایران، همواره از اعتبار برخوردار بوده و نیز در پروسه تاریخی، تجربه عملی و قابل دسترسی بودن آن را تأیید کرده است (خرمشاد، ۱۳۸۵: ۸۷).

۱-۲. خواسته‌های صنفی فاقد قابلیت دسترسی و اعتبار:

همیشه و همواره بخشی از خواسته‌ها و اعتراض‌های جنبش دانشجویی صنفی بوده است. اهم این خواسته‌ها عبارت بود: اعتراض به لغو تدریس برخی از اساتید، عدم ارائه برخی از دروس، عدم کیفیت غذا، جمع آوریبعضی کتاب‌های مورد علاقه دانشجویان، دستگیری و اخراج بعضی اساتید و دانشجویان، واگذار نکردن خوابگاه در ترم تابستانی و لغو بعضی شهریه‌ها....

البته گاه تلاش برای تأمین این خواسته‌ها به خشونت کشیده می‌شد و گاه در حد اعتصاب با راهپیمایی، شکستن شیشه‌ها، نوشتن شعارهایی بر روی دیوار دستشویی، تجمع در محوطه دانشگاه، عدم حضور در سر کلاس و خودداری از امتحان و ... باقی می‌ماند (کریمیان، ۱۳۸۱: ۱۲۰-۱۱۵). بنابراین، تردیدی در صنفی بودن برخی از خواسته‌های جنبش دانشجویی نیست اما آنچه مهم است: این است که آیا خواسته‌های صنفی در سه جنبش دانشجویی کمونیستی، اسلامی و ملی یکسان بوده است؟

خواسته‌های صنفی سه جنبش دانشجویی ملی، اسلامی و کمونیستی، یکسان نبوده است، بلکه جنبش دانشجویی چپ بیشترین و جنبش دانشجویی اسلام‌گرا، کمترین خواسته‌های صنفی را به میان آورده‌اند و البته جنبش دانشجویی ملی‌گرای غرب‌مدار، در جایگاهی بین آن دو، قرار داشته است. علت افزونی در خواسته‌های صنفی جنبش دانشجویی چپ، چه بوده و هست؟ بخشی از این خواسته به اقتضای جوانی اعضاء برمی‌گردد که البته همه جنبش‌ها دانشجویی دارای چنین خصلتی‌اند لذا تفاوت چندانی در این زمینه، در آن‌ها به چشم نمی‌خورد اما بخش دیگر این خواسته‌ها به عقاید و جهان بینی‌ها مربوط می‌شود. جنبش دانشجویی چپ‌گرای کمونیست از این رو، بیشترین حجم خواسته‌های صنفی را به خود اختصاص داده بود که به یک جهان بینی مادی، باور و ایمان داشت و دارد. برای یک دانشجوی مبارز چپ کمونیست، بهره‌مندی‌های از مزیت‌های اقتصادی، از اولویت برخوردار است، زیرا او به ماتریالیسم تاریخی، عقیده دارد و معنویت را، خرافه‌ای بیش نمی‌داند که بشر برای رهایی از درد و رنج، آن را خلق کرده است (همان).

حد اعلای زندگی برای یک دانشجوی چپ، چیزی بیش از شکم و لذت نبوده است، لذا او با اخذ امتیازات اقتصادی، دست از مبارزه کشیده است و یا در راه مبارزه با نظام سیاسی، سست شده است و اگر تمایلی به بهره‌مندی از امتیازات اقتصادی هم نشان نداده، به آن علت بوده است که در پی برپاسازی نظامی بوده که بر پایه ماتریالیسم تاریخی مارکس، بنیاد نهاده می‌شد که اساس و ماهیتی ماتریالیستی و

اکنون میکی دارد، زیرا مارکس تحول در دوره‌های پنج‌گانه تاریخی یعنی تبدیل، کمون اولیه به برده‌داری و آن به فئودالیته و سپس به سرمایه‌داری و سرانجام، کمونیسم، را در تغییر در نوع و ابزارهای تولید، می‌داند، حتی تازه‌هایی که مارکسیست‌های غیرمارکسی به مارکسیسم افزودند چون دیکتاتوری پرولتاریا از بار و محتوای اقتصادی مانند کارگران برخوردار است.

در مجموع، همه هم و غم دانشجویان مارکسیست ایرانی، عمومی سازی مالکیت یا اشتراک در ابزارهای تولید و مانند این، خلاصه می‌شده است و از این رو است که از شعارهای محوری سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی سازمان چریک‌های فدایی خلق، علی‌رغم این که هیچ شعار اقتصادی در مجموع شعارهای جنبش دانشجویی اسلام‌گرا وجود نداشت، نان، مسکن و آزادی بوده است (همان).
به طور خلاصه، عمده‌ترین مطالبات و شعارهای جنبش دانشجویی مارکسیستی عبارت بود از:
- جامعه از ساخت اقتصادی برخوردار است و لذا، نظام اجتماعی، باید متأثر از نظام اقتصادی پایه‌ریزی شود.

- همه امور سیاسی - اجتماعی ریشه در خواسته‌های اقتصادی و مالی انسان‌ها و دولت‌ها دارد.

- دموکراسی و آزادی مطلوب‌اند اما در چارچوب نگاه مارکسیستی

به علاوه، این جنبش بر مبارزه با امپریالیسم، سرمایه‌داری و استعمار و اجرای عدالت و فقرستیزی تأکید می‌ورزید، گرچه در عمل، نه در دوران تسلط تقریباً کامل جنبش دانشجویی چپ (دهه ۱۳۲۰) و نه در دوره‌های کم‌رنگ فعالیت‌های آنان (عصر پس از انقلاب اسلامی) هیچ‌گاه نتوانستند این شعارها را در درون و بیرون از جامعه ایران، محقق سازند (عدم قابلیت اعتبار) و همین موضوع، آنان را به شکست کامل در صحنه داخلی ایران سوق داد تا حدی که رگه‌های احیاء شده و در حال احیاء شدن گرایش‌های سوسیالیستی، نمی‌توانند به یک جنبش و گفتمان مطرح و قابل توجه، تبدیل شوند بلکه در ایده‌آل‌ترین حالت، به جایگاه یک خرده‌گفتمان غیرقابل توجه، باقی خواهند ماند. در نتیجه، آن‌چه دانشجویان کمونیست به دنبال آن بوده‌اند، برخی غیرقابل دسترسی و همه آن‌ها، در جامعه اسلامی ایران، فاقد اعتبار و مقبولیت بوده است (بشیریه، ۱۳۷۴: ۲۶۵-۲۶۰).

۲-۲. خواسته‌های سیاسی با قابلیت دسترسی و اعتبار متغیر:

جنبش دانشجویی ملی‌گرای لیبرالی، اغلب در پی دستیابی به خواسته‌های سیاسی بوده است. با وجود کنترل پلیسی دانشگاه‌ها، نیروهای فعال دانشجویی ملی‌غرب‌مدار، نسبت به نابسامانی‌های سیاسی - اجتماعی درون دانشگاه و به بیرون از آن، حساسیت نشان می‌داد و به مناسبت‌های مختلف، به آن اعتراض

می‌کرد. با مرور دوباره بر فعالیت‌های دانشجویان با گرایش‌های ناسیونالیستی و لیبرالیستی دهه‌های ۱۳۲۰ تا سال‌های پایانی دهه ۱۳۸۰ در می‌یابیم که: آنان خواسته‌ای بیش از خواسته‌های سیاسی، مطرح نکرده‌اند. حداکثر خواسته آنان نه تغییر نظام سیاسی، بلکه اصلاح و یا عمل بر دایره قانون مشروطه از سوی حکومت‌کنندگان، بوده است. این شعار یا خواسته، گرچه قابل دسترسی می‌نمود ولی فاقد اعتبار در جامعه اسلامی ایران بوده است، به‌ویژه، در سال‌های پس از نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ که حضرت امام خمینی(ره) طرح و لزوم دسترسی به حکومت اسلامی را مطرح کرد به کلی اعتبار نیمه بند خود را نیز، از دست داد. با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، خواسته‌های ملی‌گرایی جنبش دانشجویی چه در اوایل سال‌های انقلاب اسلامی و چه در دو دوره‌های بعد، نه از اعتبار برخوردار بوده و نه امکان دسترسی به آن، میسر بوده است(وکیلی، ebtakarnews.com).

جنبش دانشجویی ملی‌گرای غرب‌باور، به دلیل گرایش به بنیادهای فلسفه سیاسی غرب(لیبرالیسم)، غیر از دوره‌های کوتاهی از تاریخ دهه ۱۳۲۰ به بعد، محبوبیت نیافت. به هرروی، جامعه ایرانی که میدان عمل و عرصه اجرایی اندیشه‌های جنبش دانشجویی ملی‌گرا بوده است، با آموزه‌های اغلب غرب‌گرایانه جنبش دانشجویی ملی‌گرا سازگار نبوده است، در واقع، تفاوت ماهوی و محتوایی عمیق و وسیع بین مؤلفه‌های اندیشه اسلامی و غربی وجود دارد.

لیبرالیسم در حوزه نظر، بر این اصول تکیه دارد: برابری در حقوق، نفی امتیازات موروثی، طرد اشرافیت، انسان‌گرایی فردگرایی، عقل‌مداری، عقل‌بستگی، عقلانیت علمی، تجربه‌گرایی، اصالت علم، سنت‌ستیزی، تجددگرایی، پلورالیسم معرفتی، تکثر در منابع معرفتی، پیشرفت‌باوری، اعتقاد به خودمختاری انسان، عقیده به نیک نهادی و عقلانی بودن او، و از این رو، لیبرالیسم ضد وحدت‌گرایی، انحصارمداری، مرجعیت‌باوری، اقتدارگرایی، جبرباوری، نخبه‌گرایی، ارتجاع و مخالف جمع‌گرایی است. این مبانی و مبادی، آزادی، رقابت، پاسخ‌گویی دولت، مشارکت سیاسی، دموکراسی پارلمانی، دولت حداقلی(محدودسازی دخالت دولت)، سکولاریزاسیون(بی‌طرفی ایدئولوژیک دولت)، تساهل، تسامح و نفی خشونت در رفتار فردی و اجتماعی و مبارزه با هر گونه استبداد را برای لیبرالیسم، به ارمغان آورده است. البته جوهره لیبرالیسم، آزادی است و دیگر اصول بر دایره آزادی می‌چرخند، و برای تأمین آن، وضع شده‌اند(زرشناس، ۱۳۷۸: ۱۳).

نقد چنین مفهومی از لیبرالیسم به ویژه از رکن اصلی آن یعنی آزادی، می‌تواند این گونه باشد.

لوین از ارایه تعریف آزادی مورد نظر نظریه‌های لیبرال دموکراسی ابا دارد، از این رو، مستقیم به سراغ تحلیل مفهوم آزادی لیبرال دموکراسی نمی‌رود، چون معتقد است، آزادی حتی توسط لیبرال‌ها به صورت

مختلف تعریف شده است. با این وصف، می‌کوشد مخرج مشترک تعاریف آزادی لیبرال را عرضه کند، و آن این که در نظریه لیبرالیسم، آزادی یعنی عدم وجود محدودیت اجباری در دسترسی به هدف‌ها. پس در این نظریه، بهترین تعریف از آزادی، به حال خود واگذاشتن افراد به صورت تحدید نشده و رها شده، در نیل به هدف‌هاست (لوین، ۱۳۸۰: ۳۶). اما واقعیت آن است که دستیابی به بیشترین منافع فردی، همواره در گرو برخورداری بیشتر از آزادی نیست، همان گونه که در جامعه بدون دولت یا در وضع طبیعی به علت وفور هرج و مرج یا فراوانی آزادی، رسیدن به اهداف، غیرممکن است، یا لاقبل به کنندی حرکت لاک‌پشتی صورت می‌گیرد. بنابراین، به نفع افراد است که در تعقیب اهداف‌شان خود و دیگران را تحت محدودیت‌هایی قرار دهند (تانسی، ۱۳۸۱: ۲۷۷).

این مفهوم از آزادی که از سوی جامعه دانشجویی ناسیونالیستی - لیبرالیستی ایران پمپاژ می‌شد با عقل و درایت و با دین و معرفت، متفاوت است لذا تکیه بر لیبرالیسم، شعارها و خواسته‌های جنبش دانشجویی ملی‌گرای غرب‌مدار را اغلب غیرقابل دسترس و عمدتاً فاقد اعتبار ساخته است.

۲-۳. خواسته‌های فرهنگی با قابلیت دسترسی و اعتبار: به استثنای دهه ۱۳۲۰ و کم و بیش با صرف نظر از دهه ۱۳۳۰، جنبش دانشجویی اسلام‌گرا بر دایره فعالیت‌های فرهنگی عمل کرده است، زیرا از یک سو، آموزه‌های اسلامی تحقق هر پدیده اجتماعی را در بستر فرهنگی دنبال می‌کند و از سوی دیگر، گفتمان با صبغه فرهنگی حضرت امام خمینی (ره) از دهه ۱۳۴۰ به بعد، بر فضای مبارزاتی و حاکمیتی ایران مسلط است. با مروری بر شعارهای این دوره که اغلب بر زبان دانشجویان جاری بود، می‌توان تأثیر مبارزه جنبش دانشجویی متأثر از نهضت امام خمینی (ره) را دید:

احسان، ایثار، عدالت شعار مکتب ماست	اسلام، ایمان، سعادت شعار مکتب ماست
انقلاب سفید، گندش درآمد	رژیم پهلوی، عمرش سر آمد
ظهر عاشورا است امروز	پهلوی رسواست امروز
عاشورای حسینی، روز انتخاب است	عاشورای حسینی، روز انقلاب است
عاشورای حسینی است	پیروزی با خمینی است
تا رفع هر ستمگر نهضت ادامه دارد	حتی اگر شب و روز بر ما گلوله بارد
توطئه از چپ و راست	کوبنده‌اش روح الله است
حزب ما، حزب خدا	رهبر ما، روح خدا
مرگ بر شاه	مرگ بر شاه

قیام سرخ حسین، تکرار باید گردد علیه شاه خائن، قیام باید گردد
الا ای آیت الله خمینی گل سرخ گلستان حسینی اگر چه در پاریس تبعید هستی
یگانه مرجع تقلید هستی

دیو چو بیرون رود فرشته در آید رهبر محبوب خلق از سفر آید
به همت خمینی، پهلوی در بدر شد فرعون قرن بیستم در مصر مستقر شد
خمینی خمینی ما بتها را شکستیم منتظر تو هستیم

(مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹: صفحات مختلف)

همچنین، اشعار بسیاری در قالب‌های مختلف شعری که گویای زبان حال دانشجویان بود، در وصف امام خمینی قدس سره رهبری نهضت اسلامی ایران، سروده شده که هر چه به پیروزی انقلاب اسلامی نزدیک‌تر می‌شویم بر حجم این‌گونه از شعرها افزوده می‌شود، از جمله، شاعری در توصیف امام‌قدس سره در تبعید، این شعر را سرود:

آری!

در روزگار مرگ اصالت‌ها

بی تو دگر چه بگویم

در اعتراض به وضع موجود و وضعیت ناگوار فقیران و مستمندان، شاعر نصیحت می‌کند که باید عدالت را سر لوحه برنامه‌های خود قرار دهیم. چون درمان تمام دردهای اجتماعی است. ابراهیم صهبای می‌گوید:

درمان درد کشور ایران عدالت است

زیرا عدالت است که بر دردها دواست.

عدالت در اشعار سیاسی آن دوره، اغلب مفهوم مذهبی دارد، مانند:

هر کسی که عدالت خواه است

از قتل حسین علیه السلام آگاه است

(درستی، ۱۳۸۱: ۱۰)

نتیجه این که خواسته‌ها و شعارهای فرهنگی برآمده از اسلام و اندیشه امام خمینی (ره) به دلیل ریشه‌داری در عمق جان و اعتقاد مردم، هم قابلیت دسترسی و هم از اعتبار در نزد مردم، برخوردار بود، اما شعارها و خواسته‌های جنبش دانشجویی چپ‌گرای کمونیست، بیشترین زاویه دید و نظر را با جامعه ایرانی داشت، به آن دلیل که جایی در هیچ یک از زوایای اندیشه مذهبی مردم نداشت و البته جنبش دانشجویی، زمانی که

بر ارزش‌های ایرانی و ملی تکیه کرد، گامی در جهت تحقق نیازهای مردم برداشت ولی زمانی که بر اندیشه‌های لیبرالیستی متوسل شد، از مردم دور افتاد.

این دو جنبش، اغلب به جای تأثیرپذیری از مردم خود را بر مردم تحمیل کردند و نیز، بیشتر گوش به زنگ نخبگان خارج از دانشگاه داشتند تا بر عقل خود یا عقل مردم!

۳- هژمونی و استیلای سه گانه متغیر: استیلاء یا هژمونی، هویتی است که در یک گفتمان وجود دارد، هدف از آن نیز، ایجاد یا تثبیت نظام معنایی یا گفتمانی است، همین معنا، در سه جنبش دانشجویی چپ کمونیستی، راست لیبرالیستی و اسلام انقلابی، سه هویت یا به عبارتی، سه استیلاء و هژمونی وجود داشته و دارد، البته هر یک از این سه هویت، به خرده هویت‌هایی تقسیم شده‌اند، اما آن‌چه مد نظر این مقال و مجال است، اشاره به هویت‌های کلی و صرف نظر کردن از خرده هویت‌ها در سه جنبش دانشجویی است (منوچهری: ۱۳۸۶، ۱۰۲).

۱-۳. استیلاء و هژمونی در جنبش دانشجویی مارکسیستی:

حاکمیت گفتمان کمونیسم و به تبع آن، سیطره جریان‌های مارکسیستی به طور عام و جریان‌ها و تشکل‌های مارکسیسم دانشجویی به طور خاص، از سابقه‌ای صد ساله برخوردارند. در گذشته، هم مرزی با شوروی و کمک‌های فکری و مالی آن، سبب می‌گردید تا چنین جریان‌ها و تشکل‌هایی، با شتاب فراوان شکل گرفته و گسترش یابند. از آن هنگام تا سال‌های آغازین دهه ۱۳۶۰ کج دار و مریز و به طرق مختلف، حیات فعال یا نیمه‌فعال خویش را حفظ کرده و گاه در متن و اغلب در حاشیه تحولات اجتماعی و سیاسی ایران، حضور داشته‌اند و نیز، تحولات اجتماعی و سیاسی متعددی را در حد ظرفیت خود، پدید آورده‌اند. در محیط‌های دانشگاهی، وضع این هویت یا استیلاء، کمی متفاوت‌تر از بیرون از آن بود زیرا در دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۴۰، مارکسیسم یک گفتمان تقریباً مسلط در جامعه دانشگاهی ایران بود و مؤثرترین دشمن هویت‌های اسلامی و لیبرالی به شمار می‌رفت و حتی گاه، دیگر هویت‌های موجود را تحت تأثیر خود قرار می‌داد. این هویت، حتی در مقاطعی که تسلطی چندانی نداشت، با ائتلاف با خرده هویت‌هایی چون هویت‌های قومیت‌گرایی، حضور خود را حفظ کرد، بنابراین، می‌توان گفت: هویت مارکسیستی - کمونیستی یا به عنوان یک هویت مطرح، حیات و یا در حاشیه محیط‌های غیر دانشگاهی چند دهه حضور داشته است. علت سیطره این هویت در برخی دوره‌های تاریخی قبل از انقلاب، به استثنای همسایگی با شوروی و کمک‌های آن، میل به شورش و انقلاب در جوانان دانشگاهی مخالف وضع موجود

بود و نیز، گفتمان مبتنی بر آن در کوبا، چین و ... نشان داده بود که می‌تواند روحیه شورش و مشی انقلابی را در اختیار همه کسانی که از پتانسیل اسلام انقلابی امام خمینی(ره) آگاه نبودند، قرار دهد که خواهان شورش‌های اجتماعی و انقلاب‌های سیاسی یا طالب حرکت‌های براندازانه بودند(زاهدی، if-id.de.com).

این هویت گفتمانی با فراز و فرود کمونیسم مادر بزرگ (شوروی) فراز و فرودهای فراوانی یافت، زیرا یک گفتمان غیربومی تحمیل شده به شمار می‌رفت و از پشتوانه مردمی برخوردار نبود. مراد از فراز و فرودهای شوروی، تنها فراز و فرودهای ناشی از فروپاشی نیست که در دهه ۱۹۹۰ روی داد، بلکه منظور آن است که روس‌ها، همواره نگاه ایدئولوژیکی به جریان‌ها و تشکل‌های کمونیستی در ایران نداشتند تا در هر شرایطی از آن‌ها، حمایت نمایند بلکه در برخی از موارد، به دید منافع ملی به آن نگریده‌اند که حاصل چنین نگاهی، گاه حمایت از جنبش دانشجویی چپ ایرانی و گاه تبری جستن از آن‌ها، بوده است، زیرا گاه حمایت از آن‌ها برای روس‌ها ایجاد خسارت در منافع ملی را به همراه داشت.

برخی دیگر از مطالبات و شعارهای مبتنی بر هویت و گفتمان مارکسیستی عبارت بودند از:

- جهان طبیعی، جهان اجتماعی و جهان اندیشه، اجزای به هم پیوسته فرایند عمومی حرکت و تکامل اند و قانون حاکم بر کل این حرکت تکاملی، قانون دیالکتیک یا تضاد است.

- سرمایه محور معرفی کردن اسلام تا حدی که اعتبار مفاهیم و هویت‌های اسلامی در مقاطعی مهمی از تاریخ ایران کم رنگ و فاقد قدرت جهت دست زدن به انقلاب نشان داده شود.

- این هویت گفتمانی در تلاش برای پیوند زدن جنبش دانشجویی با جنبش معلمان و کارگران و زنان برای براندازی گفتمان‌های دیگر و تشکیل دولت کمونیستی و مانند آن در ایران بود.

خلاصه این که هویت و گفتمان کمونیستی - مارکسیستی جنبش دانشجویی چپ‌گرا، گاه مسلط‌تر و اغلب، در انزوا قرار داشت، لذا فراز و نشیب در آن، فراوان روی داده است، به آن دلیل که اغلب تابعی از متغیرهای برون مرزی و نیز، مغایر با هویت و گفتمان ریشه‌دار اسلامی در ایران بوده است(بشیریه، ۱۳۷۸: صفحات مختلف).

۲-۳. استیلاء و هژمونی در جنبش دانشجویی ناسیونالیستی - لیبرالیستی:

ناسیونالیسم و لیبرالیسم در سه مقطع تاریخ ایران معاصر، ظهور فعال‌تری یافت؛ اول: در مقابل پدرسالاری سنتی قاجاری در قالب مشروطه‌خواهی، دوم: در برابر شبه مدرنیسم پهلوی با عنوان نهضت ملی کردن نفت و سوم: در مقابل مردم‌سالاری دینی با عنوان جنبش جامعه مدنی که این جنبش مدنی، ویژگی بخش

مهمی از جنبش دانشجویی ناسیونالیستی - لیبرالیستی امروزین را تشکیل می‌دهد. ویژگی‌های امروزین این هویت یا هژمونی یا گفتمان در جنبش دانشجویی عبارت است: قانون‌گرایی به سبک مشروطه، ضدیت با استبداد به شیوهٔ نهضت ملی و تلقی مدرن و دموکراتیک از اسلام (خرمشاد، ۱۳۸۲: ۱۲۰). البته استفاده از آموزه‌های دینی اندک، در هویت و گفتمان ناسیونالیستی - لیبرالیستی وجود داشته است از این رو، هویت و گفتمان لیبرالیستی کمتر به صورت عریان در طول تاریخ ما، مطرح شده است. بلکه چون امروز در جنبش دانشجویی، با گرایش به دین به میدان آمده و لذا از طریقی دست کاری کردن مقولات دینی زیر، به مقوم‌سازی خود در ایران روی آورده است:

- دین را امری سیال و شناور معرفی کرد که می‌توان از آن برداشتها و تفسیرهای متفاوتی به عمل آورد.
- دین امر نامتعین، حیرت‌زا و مبهمی است که بر هر فردی، به صورتی جلوه می‌کند و نمایان می‌شود (رجایی، Esfahan.yarinews).

نتیجه‌ای که از دو مقولهٔ فوق به دست می‌دهند، عبارت است از:

دریافت‌های لیبرالیستی و التقاطی از اسلام، تفسیرهایی از اسلام است که در عرض و کنار سایر تفسیرها قرار می‌گیرد و به اندازه تفسیرهای رسمی از دین، اعتبار دارند! در گفتمان لیبرالیستی - ناسیونالیستی یا شبه لیبرالیستی - ناسیونالیستی جنبش دانشجویی به استثنای ویژگی‌های پیش گفته، از ویژگی‌های دیگری چون: اباحه‌گری، نژاد پرستی، گاه عقلانیت غیردینی، حقوق بشر و دموکراسی غربی، اصالت فرد، وابستگی و نه استقلال، خشونت و ... که حول دال مرکزی سکولاریسم، جمع شده و با هم، زنجیره هم‌ارزی را تشکیل می‌دهند.

به دلیل برخورداری از این ویژگی‌ها، آن را نئولیبرالیسم می‌نامند که در دامن روشنفکری دینی متأثر از لیبرالیسم، رشد کرده است.

این جنبش دانشجویی به تأثیر از نئولیبرالیسم ایرانی یا روشنفکری دینی در پی فراهم کردن زمینه‌هایی برای تحقق دموکراسی با زنگ و لعب کمتر درونی و بیشتر بیرونی است. برخی از نظریه‌پردازان دموکراسی چون هانتینگتون، این گذار را متأثر از امواج جهانی شدن و سرایت آن بر ایران، می‌بینند. این دسته از نظریه‌پردازان می‌گویند: ساختار نظام بین‌الملل به ویژه در عصر جهانی‌شدن به عنوان اصلی‌ترین عامل مؤثر در گذار به دموکراسی در آمده، اما مردم سالاری دینی در ایران نشان داده که متأثر از مولفه‌های جهانی شدن نیست (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۷۷ و ۷۱).

جنبش دانشجویی ملی‌گرای غرب مدار به دو صورت می‌کوشد از بحران گذار، گذر کند:

اول با مسالمت و در مسالمت، کار با ائتلاف داخلی و خارجی انجام می‌گیرد که آن را اصلاحات می‌نامند. برخی از ویژگی‌های اصلاحات مورد نظر این جنبش دانشجویی عبارت است از:

- تأکید بر قانون اساسی یا قانون‌گرایی به جای تأکید بر خصلت‌های ایدئولوژیکی
- تبدیل الیگارش‌ی حاکم (حاکمیت گروه اندک ثروتمند و ...) به نوعی دموکراسی محدود یا شبه دموکراسی
- گسترش ظرفیت مشارکت سیاسی مردم در قالب احزاب و شوراها
- انجام کوشش‌هایی در تقویت تشکله‌ها و نهادهای جامعه مدنی
- انجام اقداماتی در جهت نهادمندکردن نظام سیاسی و نظارت بر آن
- انجام کوشش‌هایی در جهت تحکیم موقعیت و کار ویژه نهادهای دموکراتیک
- تحقق کوشش‌هایی به منظور گسترش فرهنگ سیاسی دموکراتیک
- گسترش نسبی آزادی مطبوعات برای نقد عملکرد دولت و نظام سیاسی

دوم: در صورت ناکامی اصلاحات، دست به خشونت می‌زند. خشونت به دو شکل اتفاق می‌افتد: قیام‌ها و شورش‌های خیابانی و یا کودتاهای چپ‌گرایانه (همان). بخشی از آشوب‌های پس از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری ایران که متأثر از همین جنبش دانشجویی است، گواه بر مدعای فوق است (میزگرد نمایندگان ادوار اتحادیه‌های دانشجویی در باره انتخابات دوره دهم، farsn ews).

۳-۳. استیلاء و هژمونی در جنبش دانشجویی اسلام‌گرا:

هویت و گفتمان سومی که بر جنبش دانشجویی البته گاه بیش و گاه کم، استیلاء و سیطره داشته است، هویت و گفتمان اسلامی (دینی) یا امام خمینی و یا انقلاب اسلامی بوده است. این گفتمان با طرد نگاه ماتریالیستی یا اصالت دادن به ماده و یا نگاه مادی به همه امور جهان که موجود در گفتمان کمونیستی بود و نیز، با رد گرایش اومانیستی یا اصالت دادن به انسان (انسان به جای خدا) و با دور انداختن منطق سکولاریستی یا جدایی دین از عرصه عمومی و سیاست، فرازاها و برهه‌هایی بر تاریخ جنبش دانشجویی ایران استیلاء و چیره پیدا کرد. این هویت گفتمانی در دهه ۱۳۴۰ تولد یافت و در دهه ۱۳۵۰ شکفت و در دهه‌های ۱۳۶۰ به بعد به اوج بالندگی رسید (خرمشاد، ش ۱: ۴).

این هویت و گفتمان در قبل از انقلاب اسلامی به شیوه زیر، جایگزین هویت گفتمان شاهنشاهی (ناسیونالیستی غرب‌گرا) می‌شود:

۱- در گفتمان شاهنشاهی مسلط، دال مرکزی، شاه و مشروعیت آسمانی او بود و بقیه مفاهیم چون میهن و دین حول این دال مرکزی قرار می‌گرفتند. (۱۳۳۲ تا ۱۳۳۹)

- ۲- در هویت و گفتمان شاهی، مفاهیم اسلامی چون شاه سایه خدا و میهن وجود داشت و آن‌ها حول محور سلطنت قرار گرفته بودند اما به تدریج به سوی وقته‌ها حرکت کردند. (۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲)
- ۳- مفاهیم مفصل بندی شده در این گفتمان به تدریج به مرحله بی‌قراری می‌رسند زیرا، از سه ویژگی موقتی بودن، امکانی بودن و آزادی که از ویژگی‌های از جاشدگی اند، برخوردار بودند. (۱۳۴۲ تا ۱۳۴۸)
- مفاهیمی از گفتمان شاهنشاهی به چالش کشیده شد ولی هنوز هویت و گفتمان شاهی در حالت ثبات بی-قرار کننده قرار داشت، چون اولاً، مخالفان جدی برای شاه وجود داشت و ثانیاً، این مخالفان جدی، قصد تغییر هویت و گفتمان شاهی یا به تعبیر دیگر، قصد تغییر نظام سیاسی را نداشتند. عامل اصلی بی‌قراری این دوره، اصرار نظام سیاسی بر اجرای نوسازی بود که از ویژگی‌هایی چون مقابله با سنت، اقتصاد تک محصولی، سرکوب خشن و دولت تحصیل‌دار برخوردار بود.
- ۴ - با وارفتگی دال مرکزی هویت و گفتمان شاهی، هویت و گفتمان اسلامی به تدریج جایگزین آن گفتمان شد. (دوره ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷) به چند دلیل، این جاگزینی روی داد:
- وعده‌هایی که رهبری مذهبی یعنی امام خمینی(ره) می‌داد، قابل وصول‌تر می‌نمایاند.
 - گفتمان‌های دیگری چون گفتمان چپ‌گرایانه و ملی‌گرایانه برخلاف گفتمان رهبری دینی امام، محبوبیت خود را از دست دادند.
 - رهبری مذهبی ایرانی هویت (هژمونی) یا فضای جدیدی را فراهم آورد که به قول میشل فوکو، پهلو به افسانه می‌زد. امام خمینی(ره) به صورت اسطوره ظهور کرد و این اسطوره‌گی یا هژمونی به قول لاکلاو و موف، لازمه هر گفتمانی است.
- این هویت گفتمانی، بر مبنای تفکر معنوی و خدامحوری و ضد سکولاریستی با محوریت مفهوم و مصداق ولایت فقیه، استوار شده است. ولایت فقیه نماد اصلی، دال مرکزی و هسته بنیادی هویت و گفتمان اسلامی یا اسلام سیاسی است و از این رو، ماتریالیسم (مادی‌گرایی)، اومانیسیم (انسان‌مداری)، پلورالیسم دینی (کثرت‌گرایی دینی)، لیبرالیسم (آزادی‌خواهی غیردینی) و سکولاریسم (جدانگاری دین و سیاست) را طرد می‌کند. گرچه دال مرکزی این هویت و گفتمان، ولایت فقیه است ولی از عناصری نظیر جمهوریت (مردم‌سالاری دینی)، قانون‌گرایی، روحانیت، عدالت، استقلال، مستضعفین، علم و پیشرفت و ... زنجیره هم‌ارزی این گفتمان را پدید می‌آورند (بیات، gooya.eu).
- نفی استثمار، نفی سلطه‌پذیری، نفی تحقیر ملت‌ها به وسیله قدرت‌های سیاسی دنیا، نفی وابستگی سیاسی، نفی نفوذ و دخالت قدرت‌های مسلط دنیا در کشور، نفی سکولاریسم اخلاقی، طرد اباحی‌گری و

اثبات هویت ملی و هویت ایرانی، اثبات ارزش‌های اسلامی، دفاع از مظلومان جهان، تلاش برای دست پیدا کردن بر قله‌های دانش و ... از ویژگی‌های گفتمان اسلامی یا گفتمان نهضت امام خمینی(ره) یا انقلاب اسلامی است. به علاوه، این هویت و گفتمان که بر جنبش دانشجویی سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۴ تقریباً سیطره و در ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۳ استیلای بلامنازع یافت، آرمان‌خواه، عدالت طلب، استکبار ستیز، مخالف سرمایه‌داری، هواخواه جنبش‌های اسلامی و غیر اسلامی ضد استکباری، یاور فقرا در جنگ با اغنیا، استقلال طلب و اسلام سیاسی خواه، هواخواه مصادره زمین‌های زمین‌داران بزرگ و نیمه‌بزرگ برای توزیع در میان دهقانان و روستائیان، مخالف مدارس خصوصی و حامی اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی و ... است، البته بخشی از این شعارها و خواسته‌ها در برخی مواقع، پررنگ تر و در بعضی مواقع، کم رنگ تر مطرح شده است.

از دیگر مشخصات این هویت و گفتمان دانشجویی عبارت است: برخورداری از عناصری از نظریه سیاسی شیعی، وجود برخی از عناصر مدرنیسم مثل پارلمانتاریسم، مردم‌گرایی به سبک و سیاق دینی، اقتدار و رهبریت کاریزمایی، تاختن به مفاصد تجدد غربی، ستیز با پلورالیسم و لیبرالیسم غرب مدار، تأکید بر انضباط اجتماعی و سیاسی، نخبه‌گرایی سیاسی، کنترل فرهنگی، تأکید بر اصالت رهبری در قالب نهاد ولایت فقیه، اداره جامعه به شیوه غیرلیبرالی و ضدیت با گرایش‌های اومانیستی، پذیرش تکنولوژی جدید بدون ایدئولوژی آن. این هویت و گفتمان جنبش دانشجویی محصول مشترک سنن دینی و آموزه‌های ایرانی است و دارای ویژگی‌های مثبت‌کنندگی اجتماعی، عدالت‌پروری اقتصادی و استقلال سیاسی است. نتیجه این که هویت گفتمان اسلامی دانشجویی که متأثر از همین هویت و گفتمان در عرصه اجتماعی و سیاسی است، دارای دو گرایش محافظه‌کارانه و رادیکالی‌تر است که هم‌اینک در جنبش دانشجویی اسلامی متمایل به بخش‌های مختلف اصول‌گرایی چون اصول‌گرایان سنتی، اصول‌گرایان اصلاح طلب و ... به چشم می‌خورد(حقیقت، ۱۳۸۵: ۲۳-۱۰).

نتیجه‌گیری

از جاشدگی، مؤلفه‌هایی است که از درون، میل به ایجاد بحران در یک نظم گفتمانی دارد و بدین طریق، جامعه و گفتمان مسلط را به سرعت با فروپاشی، مواجه می‌سازد، در عوض، ضدیت و خصومت یعنی آن چیزهایی که از بیرون، موجبات انسجام و یا تهدید گفتمانی را فراهم می‌آورد لذا، هر گفتمانی چون

گفتمان دانشجویی، هم از درون و هم از بیرون، مورد تهدید قرار می‌گیرند و جای خود را به گفتمان دیگری که از قوت و قدرت گفتمانی قوی تری برخوردار است، می‌دهد.

گفتمان جنبش دانشجویی چپ کمونیست به روایت مارکس، با ازجاشدگی‌های کمونیسم لنینی، استالینی، خروشچفی و ... از ناحیه کمونیسم بزرگ یا شوروی و نیز، با کمونیسم کاسترویی کوبایی، جیب ویتنامی، مائوی چینی و ... روبرو بوده است. ازجاشدگی‌های کمونیستی غیرروسی، گرچه موفق نشدند از درون، کمونیسم روسی را از پای در آورند اما توانستند با تغییر در شیوه مبارزه سیاسی از سن و سال گذشته‌های حزب توده به مبارزه نظامی جوانان دانشجویی جدا شده از حزب توده و سازمان یافته در سازمان چریک‌های فدایی خلق، از شدت و حدت گفتمان کمونیستی دانشجویی بکاهند. این وضعیت، روی هم رفته و کج دار مریز، پس از انقلاب اسلامی ادامه یافت (درویش پور، Sociologyofiran.com).

گفتمان راست ناسیونال - لیبرال هم، ازجاشدگی‌های فراوانی را تجربه کرده است که عمده ترین آن را باید در نهضت آزادی منشعب شده از جبهه ملی و انشعاب دانشجویان نهضت آزادی و جبهه ملی و تأسیس سازمان مجاهدین خلق ایران دید. دانشجویان حامی جبهه ملی در پی منازعه سیاسی بدون دین با رژیم پهلوی برآمدند و دانشجویان هواخواه نهضت آزادی دین را در آغاز کار به مناقشه خود با رژیم شاه افزودند اما جوانان دانشجویی سازمان مجاهدی خلق ایران، به شیوه نظامی روی آوردند و بعدها با گرایش به افکار کمونیستی، مرام عقیدتی التقاطی و ترکیبی را خلق کردند. این ازجاشدگی‌ها، به تضعیف گفتمان ناسیونال - لیبرال انجامید، ولی پس از انقلاب اسلامی، نخست به دلیل فضای مدارای ناشی از انقلاب اسلامی و حاکمیت‌یابی جبهه ملی و نهضت آزادی و اقدامات تروریستی منافقین، قوت یافت ولی پس از آن، به انزوا رانده شد و البته در دو دوره ریاست جمهوری خاتمی، تحرکی یافت ولی با آغاز ریاست جمهوری دوره نهم و دهم به لاک انزوا رفت (خرمشاد، Farsnews.net).

گفتمان اسلامی جنبش دانشجویی، به دلیل بروز ازجاشدگی‌هایی چون: اسلام نوابی (مبارزه نظامی برای اصلاح نظام سیاسی)، اسلام کاشانی (مبارزه سیاسی برای اصلاح امور اجتماعی)، اسلام بروجردی (عدم دخالت دین در سیاست)، تا اوایل دهه ۱۳۴۰، نقش مؤثری نیافت اما با آغاز مبارزه امام خمینی (ره)، روح جدیدی پیدا کرد در حدی که سایر گفتمان‌های جنبش دانشجویی که به علت ازجاشدگی‌های متعدد، ضعیف شده بودند را از میدان بیرون راند اما، در سال‌های اولیه انقلاب اسلامی، به رقابت همپا و نفس‌گیر با دو گفتمان چپ و راست پرداخت ولی سرانجام با فرار بنی صدر، رجوی و با دستگیری طبری و کیانوری، موقعیت قبلی خود را به دست آورد. بروز ازجاشدگی‌های دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ چون: اسلام جامعه روحانیت

مبارز و مجمع روحانیون مبارز و ... گرچه توان گفتمان اسلامی جنبش دانشجویی را به تحلیل برد، ولی برتری گفتمانی آنان را، حفظ کرد. با بروز ازجاشدگی‌های جدیدی که طی دوره اول ریاست جمهوری نهم ظاهر شد، شرایط و زمینه‌های قوت یابی گفتمان اصلاح طلبی اسلامی را که به گفتمان ناسیونال – لیبرال – سوسیال نزدیک شده، فراهم آمده که وقایع پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم، نمونه ای از آن است و احتمالاً در حوادث انتخابات ریاست جمهوری یازدهم، شاهد نمونه‌های دیگری از آن خواهیم بود (باژن، jour4peace.com).

به هر روی، زمانی که ازجاشدگی‌ها از درون، گفتمانی را در جنبش دانشجویی تضعیف می‌کند، زمینه‌بستگی و اوج‌گیری گفتمان ضد و خصم (ضدیت و خصومت) دیگری را مهیا می‌کند. به عنوان مثال، گفتمان جنبش دانشجویی چپ کمونیست به روایت مارکسی با گفتمان خصمی چون کمونیسم ملی مشابه تیتو در یوگسلاوی و یا گفتمان ضدی مانند پژاک اوجلان در ترکیه، در تقابل قرار می‌گیرد. موجودیت گفتمان راست ناسیونال – لیبرال با تلاش‌های آشکار و پنهان جریان موسوم به انحرافی مواجه است که ایرانیت، از اساسی‌ترین شعارها و اعتقاداتش را می‌سازد. فضای کلی گفتمان اسلامی جنبش دانشجویی همچنان در اختیار اصول‌گرایی است اما جریان اصلاح طلبی – اسلامی دانشجویی، گفتمان رقیب و بالقوه‌ای است که ممکن است همپای انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری همانند انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ و ۱۳۸۴ به میدان بیاید و یا میدان دار شود.

منابع

- آبراهمیان، پرواندا (۱۳۷۷)، *ایران بین دو انقلاب*، مترجمان: احمد گل محمدی و ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- ادیب، علی (۱۳۶۳)، *نقش دانشجو در تحول اجتماعی*، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- ادیبی، حسین (۱۳۵۸)، *طبقه متوسط جدید ایران*، تهران: انتشارات جامعه.
- باژن، کیوان (۱۳۹۱)، *خصلت توده‌ای جنبش دانشجویی*، مندرج در: jour4peace.com
- بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، *دیباچه‌ای بر جامعه شناسی ایران*، تهران: نشر نگاه معاصر.
- _____ (۱۳۷۸)، *تاریخ اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم*، ج ۱، اندیشه‌های مارکسیستی، تهران: نشر نی.
- _____ (۱۳۷۴)، *جامعه شناسی سیاسی*، تهران: نشر نی.
- _____ (۱۳۷۶)، *ساختار جنبش دانشجویی*، ماهنامه ایران فردا، سال ششم، شماره ۲۸.
- بیات، مجتبی (۱۳۹۱)، *دو وجه جنبش دانشجویی*، مندرج در: gooya.eu
- تانسی، استیون (۱۳۸۱)، *مقدمات سیاست*، ترجمه هرمز همایون پور، تهران: نشر نی.
- جمشیدی، مهدی (۱۳۹۱)، *جامعه‌شناسی گفتمان‌های سکولاریستی در جنبش دانشجویی متأخر ایران*، majiran.ir
- حقیقت، حقیقت (۱۳۸۵) *تحلیل گفتمانی انقلاب اسلامی*، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی انقلاب اسلامی و چشم انداز آینده، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۴)، *جنبش دانشجویی در ایران: تأملی نظری*، خردنامه، شماره ۷۹.
- _____ (۱۳۸۵)، *جنبش دانشجویی در ایران: به سوی موج چهارم*، مجموعه مقالات تاریخ جنبش دانشجویی ایران: دفتر تحکیم وحدت ۱۳۸۰-۱۳۵۷، تهران: الهدی.
- _____، *میزگرد گفتمان انقلاب سلامی*، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۱.
- _____، *نگاهی به جنبش دانشجویی ایران*، مندرج در: Farsnews.net.
- _____ (۱۳۸۲)، *روشنفکری و روشنفکری دینی در ایران در سه حرکت*، مجله رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴.
- درستی، احمد (۱۳۸۱)، *شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- درویش پور، مهرداد، نگاهی به جامعه‌شناسی سیاسی جنبش دانشجویی ایران، مندرج در: Sociologyofiran.com
- رجایی، علی رضا، تحولات جنبش دانشجویی ایران، مندرج در: Esfahan.yarinews.com
- زاهدی، احمد، جنبش دانشجویی و جنبش کارگری، مندرج در: if-id.de.com
- زرشناس، شهریار (۱۳۷۸)، *اشاراتی درباره لیبرالیسم در ایران*، تهران: کیهان.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۲)، *اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، تهران: نشر مرکز.
- کریمیان، علی‌رضا (۱۳۸۱)، *جنبش دانشجویی در ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- لوین، آندره (۱۳۸۰)، *طرح و نقد نظریه لیبرال دموکراسی*، ترجمه سعید زیباکلام، تهران: سمت.
- مارش، دیوید، استوکر، جری (۱۳۸۴)، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۷۹)، *فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- منوچهری، عباس (۱۳۸۶)، *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، تهران: سمت.
- میزگرد نمایندگان ادوار اتحادیه‌های دانشجویی درباره انتخابات دوره دهم، مندرج در: farsnews.com.
- نراقی، احسان (۱۳۵۴)، *جامعه، جوانان و دانشگاه*، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- وکیلی، محمدعلی، تبارشناسی جنبش دانشجویی در ایران، مندرج در: ebtekarnews.com
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵)، *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
- David Howarth,(2000) *Discourse Theory and Political Analysis*, Manchester University Press.
- E.Laclau and C.(1985) *Mouffe, Hegemony and Socialist Strategy Towards a Radical Democratic Politics*, London, Verso.